تقدیر روزه برای مسافر دور کره زمین

(56:25)

شاگرد: این درک فی الجمله که فرمودید باعث می‌شود حکم به مراتبی از فعلیت برسد، جواب همان استه‌جانی است که هنوز در بلاد شرقی عصرشان است... .

استاد: بله، می‌خواستم رفع استبعاد کنم که در مواردی مانعی ندارد که شارع به فعلیت فی الجمله و مسمای امری اکتفاء بکند. مثل اینکه طفلی قبل از زوال بالغ می‌شود. ای مسافر. با اینکه واجب نیست اما می‌گویند اگر نخوردی واجب است روزه بگیری. اگر نگرفتی هم قضا ندارد. یعنی شارع به بالفعل شدن امر، قبل از زوال اکتفاء کرده است.(صوت این فایل تمام شد، بقیه در فایل دیگری است)

(00:10)

شاگرد: قبلاً فرموده بودید که اگر یک دور روی کره زمین بزنیم، یک روز حذف می‌شود. مثلاً می‌گویند چهارشنبه، پنج شنبه می‌شود. لذا اگر در ماه رمضان کسی یک دور بزند با همان مبنا باز هم یک روز اینجا نیست. وقتی می‌شمارند می گویند ما بیست و هشت روز روزه گرفتیم

استاد: ببینید روی این فرض که گفتیم «الشهر» و صوم ثلاثین واجب است، او برای خودش یک روز را حذف کرد ولی باید قدّروا، باید کاری بکند که مثل قطب است.

شاگرد: کسی که سفر می‌رود ده دقیقه و یک ربع همینطور اضافه می‌شود. یعنی در نهایت ساعاتی که روزه گرفته با دیگران یکی است. ولی روزهایش طولانی شده است. بیست و هشت روز، طولانی تر از بقیه روزه گرفته است. ای سی و یک روز کوتاه‌تر از بقیه روزه گرفته است.

استاد: همین جوری است که می‌فرمایید، اما....

شاگرد: ولی باز نمی‌توانیم این را نقض بگیریم.

استاد: نقض به آن معنا درست است اما روی حساب ِ«قدّروا» هیچ کجایش به مشکل برخورد نمی‌کند؟

شاگرد: چون یک روز در بیست و هشت روز خرد شده است.

استاد: یک روز تقطیع شده است. مثلاً اگر کل روز دوازده ساعت بوده، هر نیم ساعت و بیست دقیقه آن در این روزها رفته و پخش شده است. نقض آن نیست ولی به این عنوان است که موردی پیدا کردیم که حکم تدریجی ای که بالفعل شده مآلا بیشتر از بیست و هشت روز نشده است. در اینجا ممکن است از حیث فقهی بگوییم او خلاف تکلیف عمل نکرده است اما چون حضرت فرمودند شهر نمی‌تواند بیست و هشت روز باشد، باید بعد از این سفرش یک روز را قضا کند.

شاگرد: آن جا که سی و یک روز می‌شود چه؟ وقتی برعکس سفر می‌کند سی و یک روز روزه می‌گیرد.

استاد: آن جا سی و یک روز نمی‌شود، می‌گوییم یک روز از آن‌ها ندبی واقع شده است. ولو به‌صورت فرد منتشر باشد. بالاجماع سی روز بر او واجب بوده است، ولذا اگر در این بین یکی از روزه‌ها را خورده باشد می‌تواند بگوید یک روز از فرد منتشر بر من واجب نبوده و ندبی بوده، پس اگر خوردم قضا هم ندارد. این‌ها لوازم کار است.

شاگرد: بنابراین کسانی که نظر مخالف دارند و می‌گویند کل بدل‌رؤیت خودشان، این نمی‌تواند نقض آن‌ها باشد. چون آن‌ها هم همین جواب‌ها را می‌دهند. بگوییم چون لازمه حرف شما بیست و هشت روز یا سی و یک روز می‌شود، لذا این مبنا غلط است.

استاد: من نگفتم مبنا غلط است. خود بزرگان فقهاء طبق این‌ها جلو رفته‌اند. من عرض کردم این لوازم تبا‌عد بلدا -که غیر از این است که کره را دور بزنیم- و مسافرتی که الآن به وفور انجام می‌شود -مثلاً با کشتی به هند می‌روند و قدیم هم مفصل به بمبئی می‌رفتند- این لوازم را ملموس می‌کند؛ می‌بینیم آیا تبا‌عد بلدی که در ادله شرعیه نیست و فقهاء آورده‌اند به جا آورده شده یا نه؟ خیلی تفاوت کرد. شما روی مسلمات کل مسلمین می‌گویید وقتی روی کره زمین دور بزند این لوازم را دارد، اما اینکه فقهاء اعتباراً یک قیدی آورده‌اند، این‌چنین لوازمی را دارد؛ روی همین بلدا متعارفه مثل خراسان و بغداد؛ اگر این لازمه را در خراسان و بغداد دارد و خلاف ارتکازا بود که بیست و هشت روز بدون مشکل بگیرد یا سی و یک روز بدون مشکل بگیرد، این کاشف از این نیست که این قیدی که اعتباراً زده‌اند تام هست یا نه؟ اصل عرض من این بود. نه اینکه بخواهم دلالت بر بطلان بکند. و الّا بزرگان این را فرموده‌اند و تا آخر همراهش رفته‌اند.

والحمد لله رب العالمین

بازبینی #2
ایجاد شده 15 ژانویه 2026 10:48:21 توسط ... .
به روزرسانی شده 15 ژانویه 2026 10:51:54 توسط ... .